

"روایتی از تخریب مسجد حاج جواد باکو در ایام سالگرد تخریب زیارتگاه مطهر ائمه بقیع (ع)"

از دور به بنای نیمه جان مسجد "حاج جواد" نگاه می‌کنم و با خود می‌گویم خداحافظ مسجد زیبایم ... خداحافظ شب های ماه محرم و لیالی قدر مسجد حاج جواد محله ساوتسکی باکو ...



آران نیوز - ... ساعت 20 دقیقه بامداد شنبه اول جولای 2017؛ مصادف با ششم شوال است؛ فقط دو روز تا سالگرد تخریب زیارتگاه مطهر ائمه بقیع باقی مانده است ... بغض گلویم را فشرده است ... اشک در چشمانم حلقه زده است ... این اولین بار است که از نزدیک؛ تخریب یک مسجد را به نظاره نشسته ام ... البته پیش از این در پایتخت کشورم چند مسجد تخریب شده بود اما من در موقع تخریب آنجا نبوده ام ... در ذهنم غوغایی برپاست؛ صدای ریزش آوارهای مسجد با طنین اذان هایش در هم آمیخته است ... هر بخشی از دیوارها و ستونهای مسجد که فرو می‌ریزد نگاهم به گنبد سبز مسجد عمیق تر می‌شود؛ لحظاتی بعد و حداکثر ساعتی بعد این گنبد کوچک هم فرو خواهد ریخت ... تنها من نیستم که این گونه شده ام؛ مردمی که نظاره گر تخریب مسجد هستند؛ هیچ کدام حال خوشی ندارد؛ مردی که حتی دیندار هم نیست از بغل دستی اش می‌پرسد: " این گنبد هم فرو خواهد ریخت؟ ... جوانی که در حلقه دوستانش ایستاده و با عصبانیت بر سیگارش پک می‌زند می‌گوید: " موهای بدنم سیخ شده است؛ این چه کاری است که می‌کنند؛ تخریب خانه خدا... "؛ آن بانوی محجبه ای که با دیدن منظره تخریب مسجد از هوش رفته است، با قطرات آبی که به صورتش پاشیده شد به هوش آمده و دوباره همچون مادری که تنها فرزندش را از دست داده باشد؛ ناله و شیون می‌کند و لعن می‌فرستد بر تخریب کنندگان مسجد؛ زنان حاضر در آنجا دلداریش می‌دهند ... یکی از آنان با طعنه می‌گوید: " با حکومت نمی‌شود در افتاد؛ نمی‌بینی پلیس های سپر به دستی که گویا می‌خواهند به جنگ قره باغ بروند! ... چه کار کنیم؟ نصب ما هم این حکومت بوده است دیگر ... بخشی از مساجدمان را ارامنه در قره باغ تخریب می‌کنند و مساجد باکو را دولت خودمان ... "؛ خلاصه منظره عجیبی است ... البته چند ساعت قبل از این و در موعد نماز مغرب و عشاء در اطراف مسجد حاج جواد منظره دیگری جلوه گری می‌نمود؛ هنوز مسجد پابرجا بود، هر چند در محاصره نیروهای پلیس که اجازه ورود مردم به مسجد جهت اقامه نماز را نمی‌دادند؛ بر خلاف هر روز که صدای اذان از بلندگوی مسجد طنین انداز می‌شد؛ امروز دیگر بلندگوی مسجد آرام آرام بود؛ لحظات سپری می‌شد و چشمها گویی دنبال موذن می‌گشتند ... چند جوان که توانسته بودند وارد مسجد شوند باهر سختی که بود خود را به بام مسجد رساندند و یکی از آنان ندای اذان سرداد: ا... اکبر ... اکبر ... اکبر ... اذان می‌شنیدم که شاید برای اولین بار اذان می‌گفت ... آن اذان در حافظه ام و در حافظه همه زنان و مردان که در پیرامون مسجد جمع شده بودند خواهد ماند ... خوشا به حال آن جوان موذن و خوشا به حال آن جوانانی که رو در روی پلیس های مسلح باتوم به دست ایستاده بودند تا وارد مسجد شوند ... به حالشان غیبه می‌خوردم و نمی‌دانم چرا با دیدن این جوانان ناخودآگاه به یاد مدافعان حریم اهل بیت افتادم؟! ... همچنان صدای ماشین آلات تخریب مسجد به گوش می‌رسد و من که از مسجد فاصله گرفته ام تا شاهد فرو ریختن گنبد مسجد نباشم بی اختیار به یاد تخریب زیارتگاه ائمه مظلوم بقیع افتاده ام که تنها دو روز به سالگرد آن فاجعه باقی مانده است ... از دور به بنای نیمه جان مسجد "حاج جواد" نگاه می‌کنم و با خود می‌گویم خداحافظ مسجد زیبایم ... خداحافظ شب های ماه محرم و لیالی قدر مسجد حاج جواد محله ساوتسکی باکو ...

... امروز تصمیم گرفته ام دلنوشته ام را با دوستانم به اشتراک بگذارم؛ قبل از آن خواستم اخبار پیرامون تخریب مسجد حاج جواد را مرور کنم؛ خبری دیدم به نقل از علی حسن اف؛ دستیارسیاسی اجتماعی رئیس جمهور که اظهار داشته بود: " این مسجد بر خلاف نظر الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان تخریب شده است و لذا با عوامل آن برخورد خواهد شد و در همین راستا فرماندار رایون یاسامال باکو عزل گردیده است" ... کلیبی کوتاه از ا... شکور پاشازاده رئیس اداره مسلمانان قفقاز هم منتشر گردیده است که می‌گوید: " قرار شده بود این مسجد بعد از اتمام عملیات ساخت مسجد جدیدی که به عنوان جایگزین این مسجد ساخته می‌شود تخریب گردد؛ " ضمنا حاج ا... شکور مثل همیشه از این فرصت هم استفاده کرده و رضایت و امتنان قلبی دینداران و نمازگزاران مسجد تخریب شده حاج جواد از رئیس جمهور را اعلام نموده است! و در کنار آن؛ افاضه! فرموده است که: " معترضین به تخریب مسجد با نگاه سیاسی این کار را انجام داده و از خارج دستور گرفته اند! که البته تعدادشان کم است" ... در کنار این دو خبر کلیبی هم در فضای مجازی منتشر شده است که ابراهیم مهدی اف فرماندار رایون یاسامال صراحتا می‌گوید: " تخریب مسجد مستقیما با دستور رئیس جمهور آذربایجان صورت می‌گیرد و... در لابلای همه این اخبار مطلبی به ذهنم می‌رسد... چند سال قبل از این؛ دولت هر وقت می‌خواست مسجدی تخریب کند بی درنگ این کار را می‌کرد و آسمون ریسمون نمی‌کرد اما اکنون؛ پس از چند ماه برنامه ریزی و سناریو سازی و تحت شرایط خاص نسبت به تخریب مسجد اقدام می‌نمایند و بلافاصله بعد از آن؛ فرماندار منطقه عزل می‌شود و... به راستی این نشانه چیست؟ آری نشانه قدرت روز افزون دینداران کشورم است؛ قدرتی که شمه ای از آن را دینداران دو ماه و نیم قبل با اجتماع پر شور در مقابل مسجد حاج جواد نشان دادند که پس از آن؛ تخریب مسجد تا کنون متوقف گردید؛ علی حسن اف آشفته شد و معترضین را عناصر کشور خارجی معرفی نمود؛ رئیس جمهور کمیسیون بررسی تشکیل داد و... این دینداران هر چند رهبرانشان زندانی هستند؛ لیکن می‌توانند حرفشان را با قدرت بزنند و دولت را به انفعال بکشانند تا مجبور گردد از سکوت و تاریکی شب برای تخریب مسجد استفاده کند و بعد از آن نیز به زعم خود بخواهد عوام فریبی نماید و... افتخار می‌کنم به دینداران کشورم و اکنون دلم اندکی آرام گرفته است به قدرت و اقتدار اسلامگرایان وطنم در برابر مسجد ستیزان لائیک کشورم ...